

پس از پایان درس می توانم
در مورد انواع لباس های رسمی که مردم می پوشند گفتگو کنم
در مورد رنگ لباس های مورد علاقه ام گفتگو کنم
متن درس را بخوانم
خلاصه درس را تعریف کنم و به پرسش هایی در مورد
داستان پاسخ گویم
با واژه های جدید جمله بنویسم
واژه های مرکب را در درس پیدا کنم و با آن ها جمله بسازم

زمستان



پاییز



تابستان



بهار









لباس های غیر رسمی



لباس های رسمی



لباس های رسمی

بَعْدَ اَزْ ظُهْرِ اِمْرُوْزِ مَنْ بَهْ هَمْرَاةَ مَادَّرِ وَ پَدْرَمَ بَرَايِ خَرِيْدِ
لِبَاسِ بَهْ مَرَكْزِ خَرِيْدِ مِي رُوِيْمِ . مَنْ مِي خَوَاہِمِ يَكِ پِيْرَاہِنِ
قِرْمِيْزِ زِيْبَا بَرَايِ مِهْمَانِيْ بِخَرَمِ مَنْ لِبَاسِ هَايِ رَنَگِ قِرْمِيْزِ وَ
لِبَاسِ هَايِ رَنَگِ رُوْشَنِ رَا دُوْسْتِ دَارَمِ



پَدْرَمِ هَمِ مِی خَوَاهَد کِرَوَاتِ وَ کُتِ وَ شَلْوَارِ طُوسِی رَنگِ
بَخَرَد. او بَرای رَفْتَنِ بَه مَراسِمِ رَسْمِی دُوسْتِ دَارَد کِه کُتِ وَ
شَلْوَارِ جَدیدَش را بپوشَد



مادر می خواهد یک کت و دامن آبی رنگ
برای مصاحبه ای که هفته آینده دارد بخرد.



واژه های نو

لانه = خانه پرندگان

خوش آواز = دارای صدای خوش و خوب

مسخره کردن = به کسی خندیدن و دست انداختن کسی

به سختی کار کردن = خیلی کوشش کردن و زحمت کشیدن

انبار کردن = روی هم چین برای زمانی که به آن ها نیاز است

دَر جَنگلی زیبا و سَر سَبز، دَر کِنار رودخانه ای دَر میان جَنگل، مورچه
ای با خانواده اش لانه داشت . هَمسایه ی آن ها گنجشک خوش آوازی
بود که روی دِرختی لانه داشت .



گنجشک هر روز مورچه ها را نگاه می کرد، قاه قاه می خندید و به مسخره می گفت: چرا این قدر کار می کنید؟ الان وقت بازی و شادی است. بیا تا با هم بازی کنیم.

مورچه هم چنان به سختی کار می کرد تا گندم، جو، پرنج و دانه های خوش مزه را در لانه اش انبار کند و به گنجشک می گفت: ما باید به فکر زمستان و سرما باشیم، بهتر است تو هم فکری برای آن روز بگنی.



تا این که زمستان رسید و برف همه جا را فرا گرفته بود. گنجشک که خیلی سردش بود چیزی برای خوردن پیدا نکرد و پیش مورچه رفت و گفت اجازه بده که کمی در خانه تو بمانم تا کمی گرم شوم. مورچه به او گفت قدمت روی چشم ولی خانه من خیلی کوچک است و تو نمی توانی وارد شوی؟ مورچه که دید گنجشک خیلی پشیمان شده به او گفت ولی ما با هم دوست هستیم و من به اندازه کافی آذوقه و غذا دارم و می توانم تو را مهمان کنم.



گنجشک توانست آن سال جان سالم از سرما بدر ببرد و یاد گرفت که در تابستان به فکر روزهای سخت زمستان هم باشد و دانه برای خود جمع کند





آشپزخانه

آشپز + خانه

رختخواب

رخت + خواب

مریض خانه

مریض + خانه

مهمان خانه

مهمان + خانه

جدول زیر را با استفاده از واژه های زیر پر کنید:
کشاورز، نانوا، شانه، آشتی، فروردین، برق، آتش
کسی که کارش کشت زمین است

نان می پزد و می فروشد

با آن موها را مرتب می کنند

دوست شدن بعد از قهر کردن

اولین ماه سال

اگر قطع شود چراغ ها خاموش می شود

شعله می کشد و می سوزاند

کار خانه

						ک
			و			
			ا			
			ی			
ن						
			ق			

با واژه های زیر مانند نمونه واژه های مرکب بسازید و با هر یک از آن واژه های مرکب جمله بسازید
رود - آشپز - آواز - خانه - آب - خوش - خانه - نبات - خانه

آب	نبات	آب نبات
آشپز	خانه	آشپز خانه
رود		
خوش		
کتاب		

کار کلاسی

واژه های به هم ریخته را مرتب کنید و با آن ها جمله بسازید

مورچه - کار - به سختی - می کرد

گنجشک- لانه- خوش آواز- درختی - داشت - روی

زمستان - برف - همه - فراگرفته- بود-- جا- را -در

با این صفت هایی که در متن داستان آمده جمله بسازید.

خوش آواز